که فرود می آید این انار کارهای بسیار که تلخ است چشیدن آن چون طعم حنظل باشد
و آن آشوبها شتاب کننده اند آب داده میشود آخرهای آن فتنها بجامه فتنه اول
آشوبها که چون فرود آید بمیان خانه گروهی رسیده شود بعادی مخلص که درمیان
ایشان است شعر افسوس که روزگار ما گشت تباه ، وز محنت و غصه روز ما گشت
سیاه ، از هر طرفی فتنه بر آورد علم ، چون مور و ملخ کشید بر خلق سپاه حکایت از
طلحه و زبیر جزاهما الله بالخیر ، ان یومی من الزبیر و من ، طلحه فیما یسوئنی لطویل ،
ظلماني ولم يكن لي علم الله ، اي الظلم للخلق سبيل علم الله قسم والسعد لم يكن
لي سبيل الي الظلم الخلق پیغمبر باید بدرستی که روز من از زبیر و طلحه درانچه غمناک ساخت
مرا هر آینه دراز است ستم کردند ایشان مرا و نیست مرا وانند خدا ستم کردن مر خلق را
راهی شعر جمعی که بکام ما نمودند چو شهد ، کردند به دوستی بسی بیعت و عهد ، هر چند که
از جانب ما بر گشتند ، ما را همه در صلح و صفا باشد جهد نظم معاویه بن ابی سفیان در
اوقات بغی و طغیان الا من ذا مبلغ ، اقول فان القول یبلغه الرسول الا ابلغ
معاویه بن صخر لقد حاولت لو تبغ الحویل و ما تخف الاکارم من رجال هم الهام
الذین لهم اصول هم نصروا النبي وهم اجابوا رسول الله اذ خذل الرسول فباجاجا
الاصحاب عنه و ناب الحرب لیس له فلول تبلیغ و ارسال رسانیدن و حاولت التنی و الام و ابلاغ
الحول و مناطحه با یکدیگر شر زدن و هامة القوم رئیسهم و الاصل الحسب و مجادله با کسی شمشیر زدن
والفل کسر فی حد السیف و الفلول جمعه پیغمبر باید ایا کیست آنکس که برساند انچه بگویم چه بدرستی که بالفتح
گفتار میرساند آنرا فرستاده برسان بمعاویه پسر صخر هر آینه بتحقیق جستی اگر سود داشت جستن
و سر زدی با بزرگان از مردانی که ایشان سردارانند آنانکه مر ایشان راست حسبهای ایشان یاری
کردند پیغمبر را و ایشان جواب گفتند فرستاده خدا را چون فرو گذاشته شد رسول علیه السلام
پیغمبری که شمشیر زدند یاران او و دندان پیش حرب نبود مر او را رخنها شعر تا چند کسی
راه ضلالت گیرد ، وز جور و ستم رنگ جهالت گیرد ، هر کس که برین حال بماند آخر از
کرده خود تاب خجالت گیرد حکایت ابن اعثم رضي الله عنه گوید چون مرتضی علیه السلام

متوجه حرب معاویه شده بود نهزار مرد همراه داشت هشتصد مرد از اهل بیعت رضوان
بودند و از سعید بن جبیر مروی است که با علی رضي الله عنه هشتصد مرد از انصار
و نهصد مرد از اهل بیعت رضوان بودند و از حکم بن عیینه مروی است که هشتاد بدری
بودند و هشتصد صحابه و دویست و پنجاه از اهل بیعت الرضوان و از سلیمان بن مهران اعمش
مرویست که هشتاد بدری بودند و هشتصد صحابه و مراد از اکارم مذکور این طایفه اند و قال
الامام محي السنة قدس سره انهزم المسلمون یوم احد فلم یبق مع النبي صلی الله علیه و سلم
الا اثنا عشر رجلا سبعة من المهاجرین منهم ابو بکر و عمر و عثمان و علي و طلحة و عبد الرحمن بن عوف
و سعد بن ابي وقاص و جعل رسول الله صلی الله علیه و سلم یدعوا الناس الي عباد الله فاجتمع
الیه ثلثون رجلا فحموه فذبت له وذاد ابو کرم سبیل الغني عنه کما سبیل مصيني فتکفیهما
علی الاعقاب لتقوی عنکما طویل اذا ما الحرب ... رضاها و ابرق عارض منها مخیل
فیوشک ان یحول الخیل یوما علیک و انت منجدل قتیل تواری پنهان شدن و عقب باشند و اهدا
دامن فرو گذاشتن و ابراق بابرق شدن ابر و اخالت بدان گمان افگندن باران در ابر
پیغمبر باید پس فرمان بردی مرا و را او فرمان بر دیدم تو کراهت راه بیراهی نزد شما
راهست گذشت پیغمبر پس بر گشتند بر عقبها چون پنهان شد بیرای شما در از است چون
حرب دامن فرو گذارد و ابر او و بدرخشد ابری از حرب که نشان باران در وی پیدا باشد
پس زود باشد که جولان کنند اسپان روزی بر تو و تو باشی افتاده و کشته شعر تا چند
بمال و جاه مشغول شوی ، خیر تو در انست که معزول شوی ، ترسم که غبار فتنه چون بر خیزد
ناگاه بسعی خویش مقتول شوی حکایت در سنه ثمان الهجری پیغمبر صلی الله علیه و سلم با ده
هزار مرد متوجه مکه فرمود و عباس بن عبد المطلب از مکه متوجه آنحضرت شد و در مر الظهران با ایشان
رسید و چون شکوه لشکر بدید دانست که اگر پیغمبر علیه السلام مکه را بقهر خواهد گرفت همه قریش
هلاک خواهند شد شب بر استر سفید حضرت صلی الله علیه و سلم سوار شد و از میان لشکر بیرون
آمد و میخواست که کسی پیدا کند و بمکه فرستد تا اهل مکه بیایند و امان طلبند و تهدید و تخویف
کرد و ابو سفیان را ردیف خود ساخته متوجه حضرت رسالت صلی الله علیه و سلم شد و چون

Copyright © King Saud University